

## ارائه خدمات بهینه به جامعه به مثابه پنجمین دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران

### ● نیما رضایی ●

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

### ● مجتبی شریعتی ●

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

### چکیده

در نگرش غربی چهار دلیل وجودی برای سازمان‌های اطلاعاتی ذکر می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر ذکر چرایی نارسایی و نقصان رویکرد غربی در معرفی چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی و معرفی یک دلیل وجودی دیگر (علاوه بر چهار دلیل وجودی قبلی) می‌باشد. به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش اصلی این پژوهش، مهم‌ترین داده‌های کتابخانه‌ای و وب‌محور (اینترنتی) با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته و به‌منظور آزمون فرضیه از روش مقایسه کیفی بهره گرفته می‌شود. در این پژوهش نگرش غربی به دلایل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. اگرچه دلایل نارسایی این رویکرد از حیث معرفت‌شناختی مورد تدقیق قرار می‌گیرد؛ بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی که «کدام دلیل وجودی می‌تواند هویت متمایز و متفاوتی برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سازمان‌های اطلاعاتی غربی ایجاد نماید؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «به دلیل استیلا رویکرد معرفت‌شناسی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) در غرب (بالأخص ایالات متحده و بریتانیا) هدف اصلی سازمان‌های اطلاعاتی غربی مفهوم کلیدی «کنترل» می‌باشد که در چهار دلیل وجودی مطرح‌شده تجلی می‌یابد. با بهره‌گیری از معرفت‌شناسی اسلام تأکید بر وحی در کنار عقل و حس جهت شناخت کامل هستی، مبنا قرار دادن احادیث نبی مکرم اسلام (ص) در تحسین خدمت به مردم از یک سو و پذیرش تعریف سه وجهی از اطلاعات (اطلاعات به مثابه: ۱. محصول و ۲. فعالیت و ۳. سازمان از دگر سو، مؤلفه دیگری با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) به‌عنوان پنجمین دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌گردد.» نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در این راستا ۹ اقدام مؤثر می‌تواند از سوی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران دنبال گردد (بدون دخالت در امور اجرایی) که با استفاده از روش مقایسه کیفی نشان داده می‌شود که این ۹ اقدام، متفاوت از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر غربی‌ها هستند.

**کلید واژگان:** سازمان اطلاعاتی، دلیل وجودی، معرفت‌شناسی، ارائه خدمات، اسلام

«سازمان‌های اطلاعاتی به چه دلایلی در یک کشور وجود دارند و شکل می‌گیرند؟» «آیا اصطلاح سرویس اطلاعاتی<sup>۱</sup> معادل سازمان اطلاعاتی<sup>۲</sup> می‌باشد؟» «آیا نگرش غربی که چهار دلیل وجودی برای سازمان‌های اطلاعاتی در نظر می‌گیرد برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران نیز قابل استناد است؟» پاسخ به این سؤالات و سوالاتی از این دست دغدغه نظری این پژوهش می‌باشد.

تاریخچه تشکیل سازمان‌های اطلاعاتی را به قرن نوزده میلادی نسبت می‌دهند. گفته می‌شود لرذولزی در سال ۱۸۸۶ یک کتاب جیبی برای سرویس میدانی ارتش بریتانیا تهیه نمود و در آن دستورالعمل‌های مفصلی برای فرماندهان میدانی و نیروهای آنان ارائه داد که چگونه یک افسر اطلاعاتی انتخاب نمایند و چگونه یک سازمان اطلاعاتی میدانی<sup>۳</sup> تأسیس نمایند (Omand, 2014, p. 61). از آن تاریخ تاکنون، سازمان‌های اطلاعاتی یکی از مؤلفه‌های اصلی دولت‌های مدرن بوده است.

در نگرش غربی (به خصوص محققان ایالات متحده)، چهار دلیل وجودی و چهار کارکرد ویژه برای سازمان‌های اطلاعاتی ذکر می‌شود. پرواضح است که معرفی چهار دلیل وجودی برای سازمان‌های اطلاعاتی غربی از معرفت‌شناسی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) آنان نشأت می‌گیرد. در معرفت‌شناسی پوزیتیویستی هدف اصلی «کنترل» می‌باشد و چهار دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی غربی نشأت گرفته از این رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه می‌باشد. حال آن‌که در معرفت‌شناسی اسلامی، جهت «شناخت» کامل هستی علاوه بر عقل و حس به ابزار دیگری به نام وحی (تعالیم و آموزه‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام که در حقیقت به مثابه سخن خداوند منان می‌باشد) نیاز است. بهره‌گیری از رویکرد معرفت‌شناختی اسلام ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که اگرچه چهار دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی از سوی محققان غربی لازم می‌باشد، لیکن کافی نیست. با بهره‌گیری از عنصر وحی که مورد تأکید معرفت‌شناسی اسلام قرار دارد، خدمت به خلق یکی از مصادیق عبادت خداوند منان و یکی از اعمال بسیار با فضیلت برشمرده شده است؛ بنابراین با بهره‌گیری از رویکرد معرفت‌شناختی اسلام می‌توان دلیل وجودی پنجمی را برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران برشمرد؛ از این رو، ضرورت دارد که ضمن توجه به رویکرد معرفت‌شناختی اسلام و تفاوت آن با رویکرد معرفت‌شناسانه پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) به کنکاش در مورد دلایل وجودی سازمان‌های

1. Intelligence Service
2. Intelligence agency or Intelligence Organization
3. a field intelligence organisation

اطلاعاتی غربی و سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

هدف اصلی پژوهش حاضر ذکر دلایل نارسایی و نقصان رویکرد غربی در معرفی چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی و معرفی یک دلیل وجودی دیگر (علاوه بر چهار دلیل وجودی قبلی) با توجه به رویکرد معرفت‌شناسانه اسلام می‌باشد.

بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی که «کدام دلیل وجودی می‌تواند هویت متمایز و متفاوتی برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سازمان‌های اطلاعاتی غربی ایجاد نماید؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «به دلیل استیلا رویکرد معرفت‌شناسی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) در غرب (به خصوص ایالات متحده و بریتانیا) هدف اصلی سازمان‌های اطلاعاتی غربی مفهوم کلیدی «کنترل» می‌باشد که در چهار دلیل وجودی مطرح شده تجلی می‌یابد. با بهره‌گیری از معرفت‌شناسی اسلام (تأکید بر وحی در کنار عقل و حس جهت شناخت کامل هستی)، مبنای قرار دادن احادیث نبی مکرم اسلام (ص) در تحسین خدمت به مردم از یک سو و پذیرش تعریف سه وجهی از اطلاعات (اطلاعات به مثابه: ۱. محصول و ۲. فعالیت و ۳. سازمان) از دگر سو، مؤلفه دیگری با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) به عنوان پنجمین دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌گردد.»

به منظور پاسخ‌گویی به پرسش اصلی، این پژوهش در سه بخش اصلی طرح‌ریزی و سازمان‌دهی می‌گردد. در بخش اول چارچوب نظری پژوهش معرفی می‌گردد و دلایل نارسایی و خلل در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش، به تعاریف مختلف مفهوم Intelligence پرداخته می‌شود و در قسمت بعدی، چهار دلیل وجودی یک سازمان اطلاعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم پژوهش، فرضیه اصلی با بهره‌گیری از چارچوب نظری (قسمت‌های دوم و سوم) شکل می‌گیرد. در بخش سوم، یافته‌ها مورد تدقیق قرار می‌گیرند. تلاش می‌شود تا در این بخش ۹ اقدام مؤثری که می‌تواند از سوی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران دنبال گردد (بدون دخالت در امور اجرایی) با چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی با استفاده از روش مقایسه کیفی سنجیده شود و به منظور نشان دادن استحکام نظری فرضیه، دو فرضیه رقیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از نظر تجزیه و تحلیل این پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد. داده‌های مربوطه نیز از منابع کتابخانه‌ای و وب‌محور (اینترنتی) جمع‌آوری شده است. ضمناً به منظور آزمون فرضیه از روش مقایسه کیفی بهره گرفته می‌شود.

## چارچوب نظری

### پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقی در مورد نارسا و ناقص بودن ۴ دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی معرفی شده از سوی محققان غربی و ذکر علت آن منتشر نشده است. در این پژوهش تلاش شده است تا به واسطه بهره‌گیری از رویکرد معرفت‌شناسانه اسلام به پنجمین دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

### اطلاعات چیست؟

پیش از ورود به بحث، لازم است که مشخص نماییم منظور از مفهوم اطلاعات چیست؟ اگر اطلاعات در زبان فارسی را با سه اصطلاح Intelligence، Information و Data معادل در نظر بگیریم، منظور از اطلاعات در این پژوهش اصطلاح Intelligence می‌باشد. محققان حوزه «مطالعات اطلاعاتی» به‌عنوان یک زیر حوزه یا حوزه فرعی روابط بین‌الملل<sup>۱</sup> (Scott & Jackson, 2004, p.1)، تعاریف مختلفی از مفهوم Intelligence ارائه داده‌اند که در این بخش به پنج مورد از این تعاریف اشاره می‌گردد.

### تعریف شرمن کنت

«شرمن کنت»<sup>۲</sup> یکی از اصلی‌ترین محققان حوزه «مطالعات اطلاعاتی» در ایالات متحده و جهان و مؤلف اثر ماندگار «اطلاعات استراتژیک برای سیاست خارجی آمریکا» می‌باشد که تعریفی سه وجهی از اطلاعات<sup>۳</sup> ارائه می‌دهد. وی اطلاعات را این‌گونه تعریف می‌نماید: «اطلاعات، آن‌گونه که من درباره آن نوشتیم، آگاهی یا شناختی<sup>۴</sup> است که افراد نظامی و غیرنظامی بلندمرتبه ما به‌منظور حفظ رفاه ملی، باید داشته باشند» (Kent, 1965, p. vii). در این راستا وی «اطلاعات» را شامل نوع خاصی از اخبار، فعالیت و سازمان<sup>۵</sup> معرفی می‌نماید (Kent, 1965, pp. 2-3).

### تعریف شولسکی و اشمیت

«شولسکی و اشمیت» در کتاب معروف خود با عنوان «نبرد خاموش: فهم دنیای اطلاعات» به تأسی از تعریف سه‌وجهی اطلاعات که اولین بار توسط «شرمن کنت» معرفی گردیده، «اطلاعات» را شامل نوع خاصی از اخبار، فعالیت و سازمان معرفی می‌کنند.

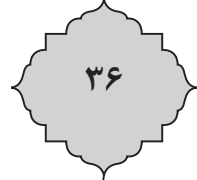
1. intelligence studies as a sub-field of international relations
2. Sherman Kent
3. three-part description of intelligence
4. knowledge
5. certain kinds of information, activities, and organizations

به‌عنوان نوع خاصی از اخبار، اطلاعات به اخبار مربوط به صورت‌بندی یک حکومت<sup>۱</sup> و نحوه اجرای سیاست‌های آن حکومت به‌منظور پیشبرد منافع امنیت ملی و همچنین مقابله با تهدیدهای ایجادشده توسط دشمنان واقعی یا بالقوه<sup>۲</sup> اشاره دارد. علاوه بر این مورد، بسیاری از انواع دیگر اخبار در مورد یک دشمن واقعی یا بالقوه ممکن است برای دانستن مفید باشد، حتی اگر دشمن سعی در محافظت از آن‌ها نداشته باشد. این اطلاعات می‌تواند شامل امور سیاسی داخلی و تحولات اجتماعی و همچنین آمار اقتصادی و جمعیت<sup>۳</sup> باشد (Shulsky & Schmitt, 2002, pp. 1-2). به‌عنوان نوع خاصی از فعالیت، اطلاعات شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اخبار دارای ارزش اطلاعاتی<sup>۴</sup> است. همچنین فعالیتهایی که به‌منظور مقابله با اقدامات جاسوسی دشمنان از طریق ایجاد ممانعت برای دسترسی آنان به اخبار یا از طریق فریب دادن دشمنان درباره حقایق یا اهمیت آن‌ها انجام می‌شود را شامل می‌گردد (Shulsky & Schmitt, 2002, p. 2). نهایتاً، واژه «اطلاعات» به‌سازمانی اشاره دارد که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سازمان‌ها، مخفی بودن فعالیت‌هایی است که آن‌ها باید انجام دهند. بسیاری از شیوه‌های عمل آن‌ها، مانند استفاده از عوامل مخفی یا قوانین سخت‌گیرانه در مورد دسترسی به اطلاعات از این نیازمندی نشأت می‌گیرد. از آنجاکه سازمان‌های اطلاعاتی باهدف افزایش ظرفیت برای «نهمان‌کاری»<sup>۵</sup> سازمان‌دهی شده‌اند، می‌توانند در کنار کارکردهای اطلاعاتی، مسئولیت فعالیت‌های مخفی به‌منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت‌های متبوع خود را نیز عهده‌دار گردند. چنین فعالیت‌هایی در فرهنگ اطلاعاتی ایالات متحده تحت عنوان «اقدامات پنهان» خوانده می‌شود که می‌تواند از اقدامات رایجی نظیر ارائه پنهانی کمک‌های حساس به یک دولت خارجی دوست تا اقدامات غیرعادی نظیر براندازی یک دولت خارجی دشمن را دربر گیرد (Shulsky & Schmitt, 2002, pp. 2-3).

### تعریف والتر لاکوئر

«لاکوئر» به‌عنوان یکی از محققان معروف حوزه «مطالعات اطلاعاتی» معتقد است که اطلاعات از یک سو به سازمان جمع‌آوری اخبار و از دگر سو به اخبار جمع‌آوری شده اشاره دارد (Laqueur, 1985, p. 12).

1. government's formulation
2. actual or potential adversary
3. economic and demographic statistics
4. Intelligence Information
5. secrecy



**تعریف مارک ام. لاونتال**

اطلاعات: ۱. فرایندی است که از طریق آن انواع خاصی از اخبار مهم که مورد نیاز امنیت ملی هستند، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل شده و به سیاست‌گذاران ارائه می‌گردد؛ ۲. محصول این فرایند؛ ۳. حفاظت از این فرایندها و این اخبار از طریق فعالیت‌های ضداطلاعاتی؛ و ۴. انجام عملیات مورد درخواست مقامات قانونی.

واژه اطلاعات در سه معنای مختلف که گاهی به صورت هم‌زمان<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرند، به کار می‌رود: اطلاعات به عنوان فرآیند<sup>۲</sup>؛ ۱. اطلاعات را می‌توان به عنوان ابزاری در نظر گرفت که از طریق آن انواع خاصی از اخبار که مورد نیاز و مورد درخواست می‌باشد، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و منتشر می‌گردد (Lowenthal, 2009, p. 23)؛ ۲. اطلاعات به عنوان محصول<sup>۳</sup>؛ ۳. اطلاعات به عنوان سازمان<sup>۴</sup>؛ ۴. اطلاعات را می‌توان به عنوان واحدی که کارکردهای مختلف را انجام می‌دهد، مورد توجه قرارداد (Lowenthal, 2009, p. 24).

**تعریف روی گادسون**

اطلاعات، تلاشی از سوی یک دولت یا افرادی گروهی از افراد خصوصی می‌باشد که به دنبال موارد زیر هستند: ۱. جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، انتشار و بهره‌برداری از آگاهی<sup>۵</sup> و اخبار تأثیرگذار بر منافع آن‌ها که مربوط به هر حکومت دیگر، گروه سیاسی، نیروی نظامی، جنبش و یا افراد می‌باشد؛ ۲. حفاظت از طرح‌های مشابه در بخش‌های دیگر حکومت‌ها، گروه‌های سیاسی، احزاب، نیروهای نظامی، جنبش‌ها یا افراد؛ ۳. فعالیت‌های مخفی به منظور بهره‌برداری از آگاهی آنان<sup>۶</sup> برای تأثیرگذاری بر ترکیب<sup>۷</sup> رفتار و سیاست‌های چنین نهادها یا افرادی.

به واسطه موارد فوق و مجاز شمردن تفاوت در فرم و اهمیت؛ چهار عنصر (کارکرد یا رشته) مجزا<sup>۸</sup>

1. simultaneously
2. Intelligence as process
3. Intelligence as product
4. Intelligence as organization
5. knowledge
6. secret activities to exploit its knowledge
7. composition
8. four discrete elements (functions or disciplines)

۱. جمع‌آوری، ۲. تحلیل، ۳. ضداطلاعات و ۴. اقدامات (عملیات) پنهان ایجاد می‌شوند. به‌طور خلاصه، محصول آن‌ها (آگاهی)، فرایندی که به‌موجب آن این آگاهی به‌دست می‌آید یا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (فعالیت) و بروکراسی (سازمان) ایجادشده برای بر عهده گرفتن آن فعالیت، موضوع اصلی اطلاعات<sup>۱</sup> را تشکیل می‌دهند (Godson, 1987, p. 4). در جدول شماره یک عناصر اصلی این پنج تعریف ذکرشده است.

نام محقق	تعریف ارائه شده از مفهوم اطلاعات (Intelligence)
شرمن کنت	«اطلاعات» به‌مثابه: (۱) نوع خاصی از اخبار، (۲) فعالیت و (۳) سازمان (Kent, 1965, pp. 2-3)
شولسکی و اشمیت	«اطلاعات» به‌مثابه: (۱) نوع خاصی از اخبار، (۲) فعالیت و (۳) سازمان (Shulsky & Schmitt, 2002, pp. 1-2)
والتر لاکوئر	«اطلاعات» به‌مثابه: (۱) اخبار جمع‌آوری شده و (۲) سازمان (Laqueur, 1985, p. 12)
مارک ام. لاوتنال	«اطلاعات» به‌مثابه: (۱) فرایند، (۲) محصول و (۳) سازمان (Lowenthal, 2009, pp. 23-24)
روی گادسون	«اطلاعات» به‌مثابه: (۱) محصول، (۲) فعالیت و (۳) سازمان (Godson, 1987, p. 4)

جدول شماره یک: پنج تعریف ارائه‌شده از مفهوم اطلاعات

در این پژوهش تعریف «روی گادسون» به‌عنوان مرجع بحث مورد استناد قرار می‌گیرد.

### چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعات از منظر غرب

در این بخش به دلایل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از نگاه «لاوتنال» پرداخته می‌شود. «لاوتنال» معتقد است که سازمان‌های اطلاعاتی برای حداقل چهار دلیل عمده وجود دارند: جلوگیری از غافل‌گیری استراتژیک<sup>۲</sup>، ارائه تخصص کسب‌شده در دراز مدت به سیاست<sup>۳</sup>، حمایت از فرآیند سیاسی<sup>۴</sup>، و حفظ نهان‌کاری اخبار، نیازها و روش‌ها<sup>۵</sup> (Lowenthal, 2009, p. 14).

### جلوگیری از غافل‌گیری استراتژیک

هدف اصلی هر سرویس اطلاعاتی پیگیری تهدیدها، نیروها، وقایع و تحولاتی است که می‌توانند موجودیت ملت را در معرض خطر قرار دهند. این هدف ممکن است بلندپروازانه و بعید به نظر برسد، زیرا چندین بار در طی صدسال گذشته، ملل مختلفی هدف حملات نظامی مستقیم قرار گرفته‌اند که در بهترین حالت به‌خوبی برای این حملات محیا نگردیده بودند. روسیه در سال ۱۹۰۴ توسط ژاپن، اتحاد جماهیر

1. subject matter of intelligence
2. avoid strategic surprise
3. provide long-term expertise
4. support the policy process
5. maintain the secrecy of information, needs, and methods

شوروی در هر دو جنگ جهانی اول و دوم توسط آلمان، ایالات متحده در سال ۱۹۴۱ توسط ژاپن و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ توسط مصر و سوریه غافلگیر شدند. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده نمونه دیگری از این الگو، البته در یک مقیاس بسیار محدودتر بود (Lowenthal, 2009, pp. 14-15).

### ارائه تخصص [کسب شده در] درازمدت [به سیاست]

در مقایسه با پروکرسی‌های ثابت، همه سیاست‌گذاران ارشد ایالات متحده در حال گذار و تغییر هستند. میانگین طول خدمت روسای جمهور ایالات متحده پنج سال است. وزرای امور خارجه و دفاع برای زمان کمتری نسبت به رئیس‌جمهور خدمت می‌کنند و مأموران ارشد، معاونان و زبردستان آنان اغلب برای دوره‌های کوتاه‌تری موقعیت خود را حفظ می‌کنند. اگرچه این افراد معمولاً با پیشینه گسترده‌ای در حوزه خود وارد دفاتر مربوط به خود می‌شوند، اما تقریباً غیرممکن است که آن‌ها به تمام موضوعاتی که با آن سروکار دارند، آشنا باشند. آن‌ها ناگزیر خواهند بود با افرادی که دانش و تخصص آن‌ها در مسائل خاص بیشتر می‌باشد، تماس بگیرند. دانش و تخصص زیادی در زمینه موضوعات امنیت ملی در جامعه اطلاعاتی وجود دارد، جایی که کادر تحلیلی نسبتاً پایداری دارند. ثبات در سرویس‌های اطلاعاتی، به‌ویژه در پست‌های بالاتر بیشتر از وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع می‌باشد؛ همچنین سرویس‌های اطلاعاتی نسبت به ادارات وزارت خارجه و وزارت دفاع، منصوبان سیاسی<sup>۱</sup> بسیار کمتری دارند (Lowenthal, 2009, p. 15).

### حمایت از فرآیند سیاسی

سیاست‌گذاران نیاز دائمی به اطلاعات درخور و به‌موقع<sup>۲</sup> دارند که پیشینه<sup>۳</sup>، زمینه<sup>۴</sup>، اخبار، هشدارها و ارزیابی خطرها، مزایا و نتایج احتمالی را ارائه دهد. نیازهای سیاست‌گذاران توسط جامعه اطلاعاتی برآورده می‌گردد. در فرهنگ اطلاعاتی ایالات متحده، یک تقسیم مؤکد بین اطلاعات و سیاست وجود دارد. این دو به‌عنوان کارکردهای مجزا<sup>۵</sup> دیده می‌شوند. حکومت توسط سیاست‌گذاران اداره می‌گردد. اطلاعات نقش حمایتی دارد و ممکن است از گزینه‌های سیاست حمایت ننماید. انتظار می‌رود افسران

1. political appointees
2. tailored, timely intelligence
3. background
4. context
5. as separate functions



اطلاعاتی که با سیاست‌گذاران سروکار دارند، بی‌طرفی حرفه‌ای<sup>۱</sup> را رعایت کرده و سیاست‌های خاص، گزینه‌ها یا نتایج را با فشار به‌پیش نبرند. این موارد باید به‌عنوان عوامل تهدیدکننده بی‌طرفی تحلیل‌هایی که تحلیل‌گران اطلاعاتی ارائه می‌دهند، دیده شوند. اگر افسران اطلاعاتی تمایلی قوی به یک نتیجه خاص سیاسی<sup>۲</sup> داشته باشند، تحلیل‌های اطلاعاتی آن‌ها ممکن است نشان‌دهنده یک سوگیری مشابه<sup>۳</sup> باشد. این موضوع به معنای اطلاعات سیاسی شده<sup>۴</sup> است و یکی از تجلی‌های قدرتمند فضاقت<sup>۵</sup> اطلاعاتی می‌باشد که می‌تواند در جامعه اطلاعاتی ایالات متحده وجود داشته باشد. اگر افسران اطلاعاتی مجاز باشند که به سیاست‌گذاران توصیه‌های سیاسی نمایند، پس از آن تنها اطلاعاتی را به سیاست‌گذاران ارائه می‌دهند که از سیاست‌هایی که این افسران اطلاعاتی از ابتدا توصیه می‌کنند پشتیبانی نماید؛ در این صورت، بی‌طرفی به‌طور کامل از بین خواهد رفت (Lowenthal, 2009, pp. 16).

### حفظ نهان‌کاری اخبار، نیازها و روش‌ها

نهان‌کاری، اطلاعات را منحصر به فرد<sup>۶</sup> می‌سازد. دیگران اخبار مهم را از شما پنهان نگه می‌دارند، شما نیاز به انواع خاصی از اخبار دارید و می‌خواهید نیازهای خود را مخفی نگاه دارید. این که شما باید ابزارهایی برای کسب اخباری که می‌خواهید مخفی بمانند، داشته باشید یکی از دلایل اصلی برای داشتن سازمان‌های اطلاعاتی می‌باشد (Lowenthal, 2009, pp. 16-17).

### چرایی نارسا و ناقص بودن ۴ دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی معرفی شده از سوی

#### محققان غربی

چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی که از سوی محققان غربی معرفی شده‌اند، نشأت گرفته از رویکرد معرفت‌شناسی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) هستند. در معرفت‌شناسی پوزیتیویستی هدف اصلی «کنترل» می‌باشد و چهار دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی غربی نشأت گرفته از این رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه می‌باشد.

به‌منظور ورود دقیق‌تر به بحث، لازم است که اجزای اصلی رویکرد معرفت‌شناسی پوزیتیویسم به‌عنوان

1. professional objectivity
2. a strong preference for a specific policy outcome
3. a similar bias
4. politicized intelligence
5. strongest expressions of opprobrium
6. unique

یکی از سه رویکرد معرفت‌شناختی در غرب به صورت خلاصه ذکر گردد.

لازم به ذکر است که معرفت‌شناسی<sup>۱</sup> به عنوان شاخه اصلی از علوم فلسفی سابقه چندان کهنی ندارد و می‌توان جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) و لایبنیتس (۱۷۱۶-۱۶۴۶) را نخستین کسانی دانست که مسائل معرفت‌شناسی را به طور منظم و مستقل مورد بحث قرار داده‌اند (حسینزاده، ۱۳۸۵، صص. ۱۶-۱۵). ویور<sup>۲</sup>، معرفت‌شناسی را این گونه تعریف می‌نماید: «چگونه می‌دانیم آنچه را که می‌دانیم، می‌دانیم»<sup>۳</sup> (Wæver, 1997, p. 16).

«معرفت‌شناسی علمی است که درباره شناخت‌های انسانی و ارزش‌یابی انواع آن‌ها و تعیین معیار صدق و کذب آن‌ها بحث می‌کند» (حسین زاده، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). «دی‌روز» معتقد است که «معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به پرسش‌هایی درباره ماهیت، دامنه و منابع شناخت<sup>۴</sup> می‌پردازد» (DeRose, 2005). به موضوعات سه‌گانه فوق، باید پرسش «امکان‌پذیری یا عدم امکان‌پذیری شناخت» را نیز اضافه کرد. به عبارت دیگر اگر در موضوع «ماهیت شناخت» ما با این پرسش مواجهیم که «چه تعریفی می‌توان از شناخت ارائه داد؟»، اگر در موضوع «دامنه شناخت» این پرسش که «چه موضوعاتی در حوزه شناخت بشر قرار می‌گیرد؟» مورد تدقیق قرار می‌گیرد و پرسش «انسان چگونه و با چه ابزاری می‌شناسد؟» در موضوع «منابع شناخت» مطرح می‌گردد، در چهارمین پرسش معرفت‌شناسانه «امکان‌پذیری شناخت» و این که «آیا شناخت برای انسان امکان‌پذیر می‌باشد؟» مورد سؤال قرار می‌گیرد.

«یورگن هابرماس» از سه دسته علایق شناختی نام می‌برد که هر یک به نوع خاصی از شناخت منتهی می‌گردند. هر یک از این علایق شناختی یک رویکرد معرفت‌شناسی هستند:

الف) علایق فنی<sup>۵</sup> که به علوم تحلیلی-تجربی یا پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) شکل می‌دهد و دغدغه اصلی آن کنترل است؛

ب) علایق رهایی‌بخش<sup>۶</sup> که بنیان شناخت انتقادی است و دغدغه اصلی آن ایجاد دگرگونی و نهایتاً نیل به رهایی است؛

1. Epistemology
2. Wæver
3. how do we know that we know what we know
4. nature, scope, and sources of knowledge
5. Technical
6. Emancipatory

ج) علایق عملی<sup>۱</sup> یا تفاهمی و ارتباطی<sup>۲</sup> که به دانش تأویلی یا هرمنوتیک منتهی می‌شود و دغدغه اصلی آن فهم است (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۹).

«پل آر. تری» در مقاله «هابرماس و تعلیم: شناخت، ارتباطات و گفتمان»<sup>۳</sup> این سه دسته علایق شناختی را مورد بررسی قرار داده است که در جدول شماره دو بدان اشاره گردیده است.

نمونه‌ها	انواع معرفت (پراساس دیدگاه رایل Ryle)	علایق (Interests)	انواع شناخت (Knowledge)
مارکس / فروید	معرفت چرایی (knowing why)	رهایی‌بخشی (Emancipatory)	انتقادی (Critical)
علوم انسانی / علوم اجتماعی	معرفت مهارتی [دانش عملی] (knowing how)	تاریخی (Historical)	تأویل‌گرایی (Hermeneutic)
علوم طبیعی (Natural sciences)	معرفت گزاره‌ای [دانش نظری] (knowing that)	تجربی (Empirical)	تحلیلی (Analytical)

جدول شماره دو: انواع شناخت (Terry, 1997, p. 271)

معروف‌ترین رویکرد معرفت‌شناختی در غرب پوزیتیویسم می‌باشد که طرفداران متعصبی در ایالات متحده و بریتانیا دارد. پوزیتیویسم و اصطلاحات «تجربه‌گرایی»، «رفتارگرایی»، «طبیعت‌گرایی» و «علم»<sup>۴</sup> اغلب به‌جای هم به کار می‌روند (Hughes, 1990, p. 16)؛ اگرچه عده‌ای گرایش‌ها پوزیتیویستی را به «ارسطو» در یونان باستان، «راجر بیکن»<sup>۵</sup> در قرن سیزده و «فرانسیس بیکن»<sup>۶</sup> در قرن شانزده منسوب می‌نمایند لیکن طرح واژه پوزیتیویسم را می‌توان به «سن‌سیمون»<sup>۷</sup> نسبت داد که پس از وی به‌کرات در نوشته‌های «اگوست کنت»<sup>۸</sup> تکرار گردید.

شالوده پوزیتیویسم [یا اثبات‌گرایی] را چهار مفروضه به‌هم‌پیوسته تشکیل می‌دهد. نخست حقیقتی عینی وجود دارد که می‌توان آن را کشف کرد؛ دوم ابزار کشف این حقیقت، خرد است و تنها یک‌شکل درست خردورزی و استدلال وجود دارد؛ سوم ابزار خردورزی، تجربه‌گرایی است که به تحلیل‌گر امکان می‌دهد قضایا را به آزمون کشد؛ چهارم بین مشاهده‌گر [یا سوژه شناسا]<sup>۹</sup> و امر مورد مشاهده [یا ابژه یا موضوع شناخت]<sup>۱۰</sup> می‌توان تمیز گذاشت (تریف، کرافت، جیمز و مورگان، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۶).

1. Practical
2. Communicative
3. Habermas and Education: knowledge, communication, discourse
4. Empiricism, Behaviorism, Naturalism, Science
5. Roger Bacon
6. Francis Bacon
7. Saint-Simon
8. Auguste Comte
9. Observer/Subject
10. Observed/Object

در جدول شماره سه مفروضات هستی شناختی و معرفت شناختی پوزیتیویسم قید گردیده است.

مفروضات معرفت شناختی	مفروضات هستی شناختی
* روش شناسی (methodology) علوم طبیعی باید به منظور مطالعه واقعیت یا هستی اجتماعی [social reality] به کار گرفته شود.	* واقعیت (Reality)، نسبت به پژوهش گر، خارجی (external) است [حقیقتی خارج از ذهن پژوهش گر وجود دارد] و از طریق عینیات (objects) در فضا (space) نشان داده می شود.
* می توان به حقیقت (Truth) دست یافت، زیرا شناخت (knowledge) مبتنی بر مجموعه ای از حقایق ثابت (Firm)، غیرقابل تردید (unquestionable) و غیرقابل مناقشه (indisputable) می باشد.	* ایزوما (objects) مستقل از هرگونه آگاهی از آن ها (consciousness of them) معنا دارند.
* شناخت به صورت قیاسی (deductively) و از طریق یک نظریه (theory) یا فرضیه (hypothesis) ایجاد می شود.	* واقعیت می تواند توسط حواس (senses) ما ضبط (be captured) و پیش بینی شود.
* شناخت، عینی (objective) است.	

جدول شماره سه: مفروضات هستی شناختی و معرفت شناختی پوزیتیویسم (Mack, 2010, p. 7)

در جدول شماره چهار تأثیر معرفت شناسی پوزیتیویستی (اثبات گرایانه) بر چهار دلیل وجودی سازمان های اطلاعاتی توضیح داده شده است.

تأثیر معرفت شناسی پوزیتیویستی بر دلیل وجودی معرفی شده	دلایل وجودی سازمان های اطلاعاتی
هدف: کنترل محیط خارجی به واسطه رصد و پایش تهدیدهای پتانسیل خارجی و اقدام به موقع	جلوگیری از غافل گیری استراتژیک
هدف: کنترل و بهبود محیط و فضای سیاسی به واسطه ارائه تخصص و دانش اطلاعاتی به حوزه سیاست	ارائه تخصص [کسب شده در] درازمدت [به سیاست]
هدف: کنترل محیط داخلی و ارتقای عملکرد آن به واسطه ارائه اطلاعات درخور و به موقع به سیاستمداران	حمایت از فرآیند سیاسی
هدف: کنترل محیط سازمانی و تشکیلاتی و جلوگیری از نفوذ حریفان و رقبا به واسطه نهان کاری	حفظ نهان کاری اخبار، نیازها و روش ها

جدول شماره چهار: تأثیر معرفت شناسی پوزیتیویستی (اثبات گرایانه) بر چهار دلیل وجودی سازمان های اطلاعاتی

منبع: نگارندگان

بنابراین تأثیر معرفت شناسی پوزیتیویستی (اثبات گرایانه) و هدف اصلی آن یعنی «کنترل» بر چهار دلیل وجودی سازمان های اطلاعاتی مشهود می باشد.

اکنون لازم است که معرفت شناسی اسلام مورد توجه قرار گیرد. اسلام علاوه بر عالم مادی و محسوس به عالم معنا (یا عالم مجردات یا عالم متافیزیک) اعتقاد دارد و از منظر اسلام هرگونه امور ماوراء ماده نظیر فرشته، شیطان، روح، جن و ... وجود دارند و بخشی از هستی می باشند. حال این سؤال ایجاد می گردد که چگونه می توان هم به «شناخت» موجودات مادی و هم به «شناخت» موجودات غیرمادی نائل آمد؟ به تعبیر دیگر با عنایت به هستی شناسی خاص اسلام، ساحت معرفت شناختی اسلام می باید چگونه باشد؟ اسلام (و به خصوص متفکران و فیلسوفان شیعی) قائل به «رئالیسم» هستند، یعنی معتقدند که بشر می تواند به «شناخت» نائل آید؛ همچنین در پاسخ به این پرسش معرفت شناختی که «انسان چگونه و با چه ابزاری می شناسد؟» (منابع شناخت) دیدگاه علامه مرتضی مطهری (ره) پیرامون ابزارهای «شناخت» آن است که حس، عقل، وحی و الهام، کشف و شهود باطنی، دل (تزکیه

نفس)، تاریخ، مطالعه آثار علمی دیگران (تعلیم، یادگرفتن، خواندن کتاب...) و فطرت ابزارهای شناخت بشر می‌باشند (مطهری، ۱۳۷۷، صص. ۴۰۰-۳۴۰). از این رو، می‌توان گفت که در معرفت‌شناسی اسلام جهت نائل آمدن به «شناخت»، علاوه بر «حس» و «عقل» به موارد دیگری از جمله «وحی» نیز نیاز می‌باشد. بنابراین، در معرفت‌شناسی اسلامی، جهت «شناخت» کامل هستی علاوه بر عقل و حس به ابزار دیگری به نام وحی (تعلیم و آموزه‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام که در حقیقت به‌مثابه سخن خداوند منان می‌باشد) نیاز است. بهره‌گیری از رویکرد معرفت‌شناختی اسلام ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که اگرچه چهار دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی از سوی محققان غربی لازم می‌باشد، لیکن کافی نیست. با بهره‌گیری از عنصر وحی که مورد تأکید معرفت‌شناسی اسلام قرار دارد، خدمت به خلق یکی از مصادیق عبادت خداوند منان و یکی از اعمال بسیار بافضیلت برشمرده شده است. نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) در حدیثی شریف می‌فرماید: «الْخَلْقُ عِبَادُ اللَّهِ فَاحْبُ الْخَلْقَ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفْعِ عِبَادِ اللَّهِ وَادْخُلْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا. مَرْدَمٌ عَائِلَةٌ وَجِبْرَةُ خَوَارِنِ خَدَاوَنَدِنْد». محبوب‌ترین آن‌ها نزد خدا کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده‌ای را خوشحال کند.» بنابراین با بهره‌گیری از رویکرد معرفت‌شناختی اسلام، احادیث نبی مکرم اسلام (ص) در تحسین خدمت به مردم از یک سو و پذیرش تعریف سه وجهی از اطلاعات (اطلاعات به‌مثابه: ۱) محصول، ۲) فعالیت و ۳) سازمان) از دگر سو، می‌توان دلیل وجودی پنجمی با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها را برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران برشمرد؛ از این رو، ضرورت دارد که ضمن توجه به رویکرد معرفت‌شناختی اسلام و تفاوت آن با رویکرد معرفت‌شناسانه پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) به کنکاش در مورد دلایل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی غربی و سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

### یافته‌های پژوهش

در بخش قبلی این نکته موردتوجه قرار گرفت که چهار دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی غربی از معرفت‌شناسی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) آنان نشأت می‌گیرد. در معرفت‌شناسی پوزیتیویستی هدف اصلی «کنترل» می‌باشد و چهار دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی غربی نشأت گرفته از این رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه می‌باشد. با بهره‌گیری از

رویکرد معرفت‌شناختی اسلام دلیل وجودی پنجمی با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران معرفی گردید.

در این راستا ۹ اقدام مؤثر می‌تواند از سوی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم دنبال گردد که در بخش بعدی و با استفاده از روش مقایسه کیفی نشان داده می‌شود که این نه اقدام (به‌عنوان پنجمین دلیل وجودی) متفاوت از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر غربی‌ها هستند.

پیش از ورود به بحث لازم است که به یک پرسش احتمالی بسیار مهم پاسخ داده شود. چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی هر یک متضمن ارائه سطحی از سرویس و خدمت به جامعه هستند. پنجمین دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران (کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها) چه تفاوتی با چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی دارد؟ در پاسخ باید به این نکته اشاره نمود که اگرچه چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی هر یک متضمن ارائه سطحی از سرویس و خدمت به جامعه هستند، لیکن این چهار دلیل وجودی نشان می‌دهد که سازمان‌های اطلاعاتی غربی در وهله اول جهت ارائه سرویس به ساختار سیاسی (به معنای دولت در معنای روابط بین‌المللی آن و متشکل از چهار رکن جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت<sup>۱</sup>) تعریف شده‌اند، اگرچه ممکن است مردم نیز از ارائه سرویس و خدمات به ساختار سیاسی توسط سازمان‌های اطلاعاتی غربی منتفع و بهره‌مند گردند (ارائه سرویس غیرمستقیم). این در حالی است که پنجمین دلیل وجودی معرفی شده برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران (علاوه بر چهار دلیل وجودی قبلی) به‌صورت مستقیم رضایت مردم را نشانه رفته است که از این رو با چهار دلیل وجودی قبلی کاملاً متفاوت می‌باشد که در جدول شماره شش بدان پرداخته می‌شود.

پس از ذکر این توضیحات، ۹ اقدام مؤثر از سوی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران که در راستای پنجمین دلیل وجودی می‌باشد، معرفی می‌شود:

1. State= Population+ Territory+ Government+ Sovereignty

## تلاش در راستای استقرار گسترده‌تر عدالت در نظام سیاسی

«عدالت» به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) و مرحوم علامه مصباح یزدی (ره) هدف متوسط اسلام می‌باشد. در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید هدف از بعثت رسولان الهی برپایی عدل و قسط در میان مردم معرفی شده است: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند، بی‌آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

عدالت، ابزار اصلی تأمین «امنیت» نیز می‌باشد. می‌توان به احادیث مختلفی از مولای متقیان، امیر مؤمنان، علی (ع) اشاره نمود که در آن‌ها اهمیت «عدالت» از باب حفظ «امنیت» دولت و تأثیرات عدالت در میان مردم مورد تأکید قرار گرفته است: «من جارت ولایت زالت دولته (کسی که در دایره حکومتش ظلم و ستم کند، حکومتش از بین خواهد رفت)»؛ «ثباتُ الدّول بإقامة سنن العدل (ثبات دولت‌ها به برپایی روش‌های عادلانه است)»؛ «لن تحصن الدول بمثل استعمال العدل فیها (هیچ چیزی دولت‌ها را مصون ندارد همانند عدالت‌پیشگی در آن)»؛ «العدل جنة الدّول (عدالت سپر دولت‌ها است)»؛ «اعدل! تدم لك القدرة (عدالت پیشه کن تا قدرت تو دوام یابد)»؛ «صلاح الرّعیة العدل (عدالت باعث نیکو شدن مردم است)»؛ «بالعدل تصلح الرّعیة (با عدالت، مردم اصلاح شوند)»؛ «العدل قوام البریة» و «العدل قوام الرّعیة» (عدالت، برپادارنده مردم است)؛ و «الرّعیة لا یصلحها إلا العدل (مردم جز با عدالت به صلاح نیابند)» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۵۰).

بنابراین عدالت تأثیرات عینی (مادی) و معنوی عمیقی در همه جوامع (خواه مشرک خواه کافر خواه موحد) و نقش مستقیمی در تأمین و حفظ «امنیت» یک جامعه خواهد داشت. اشرف الانبیاء والمرسلین، محمد مصطفی (ص) می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ (آسمان‌ها و زمین به سبب عدالت است که پایدار و ثابت است)» و نفس‌الرسول، امام انس و جان، علی (ع) عنوان می‌دارند: «الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ (عدالت شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است)». وقتی هستی به سبب عدالت پایدار می‌باشد و عدالت شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است، پس قطعاً «عدالت» نقش اساسی در تأمین «امنیت» را نیز ایفا خواهد بود و ابزار اصلی آن خواهد بود.

اهمیت «عدالت» تا بدان جا است که امیر مؤمنان، حیدرکرار، علی (ع) آن را حتی بالاتر از «جود» یا «بخشش» می‌دانند: «الْعَدْلُ یَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ یُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا. وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ،





گناहانی را انجام دهد و سپس توبه کند نوع دوم ظلم و اما ظلمی که خدا رها نمی کند درباره حقوقی است میان بندگان که فقط باگذشت مظلوم و اغماض صاحب حق قابل عفو و چشم‌پوشی است نوع سوم ظلم» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص. ۱۷۳) (ابن بابویه، ۱۴۲۴ ق، صص. ۱۱۹-۱۱۸). بنابراین منظور از «ظلم» تضییع و پای مال نمودن حقوق خداوند، نفس (یا خویشتن) و مردم می‌باشد.

«ظلم» به حدی مورد نهی قرار گرفته که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۸ سوره مبارکه هود بر ظالمان لعن و نفرین فرستاده است: «... أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (... ای لعنت خدا بر ظالمان باد!)». همچنین در آیه ۲۲ سوره مبارکه ابراهیم وعده عذاب دردناک به ظالمان داده شده است: «... إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (... مسلماً ستم‌کاران عذاب دردناکی دارند!)».

اگرچه اسلام در ۱۴ قرن پیش، انسان را از «ظلم» بر خدا، نفس (یا خویشتن) و سایر مردم نهی نموده و حتی حاکم جامعه اسلامی را از ظلم به مردم بر حذر داشته، لیکن در دهه‌های اخیر مفهومی به نام «خشونت ساختاری» وارد ادبیات علوم اجتماعی و تمامی زیرشاخه‌های آن از جمله مطالعات امنیتی گردیده که می‌توان آن را در زمره نوع سوم ظلم، یعنی ظلم به انسان‌ها برشمرد و اگرچه برای مسلمانان تازگی نظری ندارد، لیکن مورد توجه جریان‌های انتقادی قرار گرفته است.

«خشونت ساختاری»<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم مورد استفاده در ادبیات فمینیست‌ها و محققان حوزه حقوق بشر می‌باشد (Ho, 2007, p. 1). منظور از خشونت ساختاری «کاهش امید به زندگی در اثر ساختارهای سرکوبگرانه سیاسی و اقتصادی است (مانند زیاده‌تر بودن مرگ‌ومیر نوزادان زنان فقیر که از دسترسی به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی محروم هستند). خشونت ساختاری به‌ویژه زندگی زنان و دیگر گروه‌های فرودست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نادیده گرفتن این واقعیت، به معنای نادیده گرفتن امنیت اکثریت ساکنان کره زمین است» (تریف، کرافت، جیمز و مورگان، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۲). خشونت ساختاری به شیوه‌های سیستماتیک اشاره دارد که در آن ساختارهای اجتماعی<sup>۲</sup> به افراد آسیب می‌رسانند<sup>۳</sup> یا در غیر این صورت افراد را در شرایط نامساعد قرار می‌دهند. خشونت ساختاری، ظریف (زیرپوستی)<sup>۴</sup> و اغلب غیرقابل مشاهده<sup>۵</sup> می‌باشد و در اغلب موارد هیچ شخص خاصی که بتواند (یا بخواهد) مسئولیت آن را

1. structural violence  
2. social structures  
3. harm  
4. subtle  
5. often invisible

بر عهده گیرد، وجود ندارد (در مقایسه با خشونت رفتاری<sup>۱</sup>). دکتر «پل فارمر» معتقد است: «خشونت ساختاری یکی از راه‌های توصیف ترتیبات اجتماعی<sup>۲</sup> است که افراد و جمعیت را در مسیر آسیب قرار می‌دهد. این ترتیبات، ساختاری هستند زیرا در سازمان‌های اقتصادی و سیاسی دنیای اجتماعی ما قرار دارند، آن‌ها خشونت‌آمیز هستند، زیرا باعث آسیب رساندن به مردم می‌گردند...» (Burtle, 2013). البته در دیدگاه فمینیست‌ها مفهوم «خشونت ساختاری» به طیف وسیعی از پدیده‌ها از جمله گرسنگی کشیدن عمدی زنان در جوامع ثروتمند برای لاغر ماندن (و در نتیجه زیباتر به نظر رسیدن و بهتر دیده شدن)، مصرف بیش از حد لوازم آرایشی و تبعیت از مدهای خاص توسط زنان برای زیباتر شدن (و در نتیجه بهتر دیده شدن) و یا شرکت زنان در فیلم‌های هرزه‌نگاری جنسی (پورن) و... که همگی توسط اندیشه‌های سرمایه‌دارانه / مصرف‌گرایانه مردان باهدف حفظ سلطه مردان بر زنان و همچنین کنترل زنان و حفظ ساختارهای سلسله مراتبی جنسیتی ترویج می‌شود (تریف، کرافت، جیمز و مورگان، ۱۳۸۳، صص. ۱۷۷-۱۷۴)، اطلاق می‌گردد.

بنابراین می‌توان هر ساختار و تصمیم حکومتی که به مردم آسیب می‌رساند را در زمره «خشونت ساختاری» قرارداد و خود «خشونت ساختاری» را یکی از اشکال نوع سوم «ظلم» یعنی ظلم به مردم در نظر گرفت. مولای متقیان، علی (ع) در دستورالعمل خود خطاب به زیاد بن ابیه چنین فرمودند که: «اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَ اخْذِرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ (عدالت را بگستران و از ستم‌کاری پرهیز کن که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بی‌دادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد)» [حکمت ۴۷۶ نهج البلاغه].

در جمهوری اسلامی ایران نیز نهادهایی نظیر بانک‌ها، شهرداری‌ها، بیمارستان‌های دولتی، برخی شرکت‌های حمل و نقل هوایی و ... نمود عینی و مولد خشونت ساختاری هستند؛ البته این موضوع به معنای نادیده انگاشتن خدماتی که این نهادها به جامعه ارائه می‌دهند و یا نادیده انگاشتن زحمات کارکنان این نهادها نیست بلکه غرض آسیب‌های مادی و معنوی است که از ناحیه این نهادها متوجه افراد جامعه می‌گردد (یکی از نهادهای حقوقی مقابله با «خشونت ساختاری» دیوان عدالت اداری می‌باشد که اطاله دادرسی یکی از مشکلات اساسی پیش‌روی آن جهت انجام وظیفه شایسته می‌باشد). بی‌انصافی است که به این نکته ظریف توجه ننماییم که جمهوری اسلامی میراث دار بروکراسی فاسد

1. behavioral violence  
2. social arrangements

و حجیمی است که در دوران رضاخان تشکیل و تا به امروز نیز باقی مانده است. این موضوع از یک سو و اداره شدن بسیاری از نهادهای اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی با نظریه‌های سرمایه‌داری غربی موجب گردیده برخی از نهادهای سیاسی و اقتصادی کشور مولد و توزیع‌کننده «خشونت ساختاری» گردند. پس از ذکر این توضیحات لازم است که به سؤال کلیدی این بخش پاسخ داده شود و آن این است که «سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در چنین وضعیتی چه کار باید بکنند؟»

با ذکر این پاسخ کوتاه و موجز که اصلاح واقعی امورات جامعه و کاهش و از بین بردن «خشونت ساختاری» جز با برهم زدن ساختارهای غلط اقتصادی و سیاسی ممکن نیست، به سوی سؤال مشابه رهنمون می‌گردیم که نقش سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در این بین چه خواهد بود؟ و قانون تا چه میزان اجازه دخالت در اموراتی از این دست را می‌دهد؟

بدیهی است که نه ساختارهای فعلی و نه قوانین مصوب اجازه دخالت ضربتی و آشکار را نمی‌دهد. حتی دخالت مستقیم سرویس‌های اطلاعاتی در چنین اموری نتایجی عکس خواهد داشت و به شایعاتی از این دست که «این‌ها می‌خواهند همه چیز را به دست بگیرند» دامن خواهد زد.

همکاری نهادهای اطلاعاتی با دستگاه قضایی به منظور برخورد با ترک فعل مدیران در تهران و استان‌ها می‌تواند رافع مشکلات حقوقی و عرفی از یک سو و کاهش میزان «خشونت ساختاری» دستگاه‌های ناکارآمد در دگر سو باشد؛ بنابراین در این مورد نیز صرفاً تأثیرگذاری مثبت سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) مدنظر می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت که منظور از مقابله با «خشونت ساختاری» بخشی از بروکراسی اداری، مشاوره و ارائه راهکارهای عملیاتی به تصمیم‌گیرندگان و مقامات قضایی جهت حذف و کاهش اثرات ساختارهای اجرایی غلط می‌باشد.

این موضوع از دو جهت قابل ارزیابی است:

الف) ناکارآمدی برخی از نهادها موجب ایجاد «نارضایتی» مردم از نظام می‌گردد که در صورت عدم اصلاح شرایط می‌تواند خود را در اشکال دیگری از قبیل بی‌اعتمادی به نظام، بی‌اعتنایی نسبت به سرنوشت نظام، بدبینی به نظام و ... نشان دهد و برخی را مستعد شرکت در شورش‌های اجتماعی، اقدامات ساختارشکنانه، همکاری با ضدانقلاب، همکاری با سرویس‌های متخاصم و ... نماید، بنابراین از حیث امنیتی نیز دخالت سرویس‌های اطلاعاتی در مقابله با «خشونت ساختاری» نهادهای ناکارآمد، کنشی لازم و در راستای کاهش تهدیدها خواهد بود. اهمیت موضوع زمانی مضاعف می‌گردد

که به این نکته توجه نماییم که موضوع کارآمدی نظام یکی از دغدغه‌های اصلی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز می‌باشد. شاه‌کلید سخنان معظم‌له درباره کارآمدی و مشروعیت نظام جمله تاریخی زیر می‌باشد: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این پایه مشروعیت ما است» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲، شهریور ۵). معظم‌له همچنین در بیانات خود که در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ایراد فرمودند، به‌صراحت عنوان نمودند: «... همه زحمتی که ما داریم می‌کشیم برای همین است که ... کارآمدی به‌وجود بیاید...» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵، خرداد ۲۹) و یا در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه عنوان داشتند: «در نظام جمهوری اسلامی ... مبنای نظام و مشروعیت نظام متکی است به‌حق و عدل - این پایه اساسی نظام ماست...» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹، تیر ۷). پاسخ‌گویی به دغدغه معظم‌له درباره موضوع «کارآمدی» نیازمند توجه و طرح‌ریزی ویژه سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی می‌باشد.

ب) مفهوم سرویس با اقداماتی از این دست هم‌خوانی کامل دارد. «اطلاعات» باید در خدمت مردم و جهت حفاظت از مردم باشد و مقابله با «خشونت ساختاری» نمود عینی محافظت از مردم خواهد بود.

### ارائه خدمات ویژه به جامعه و حل معضلاتی که به طرق عادی قابل حل نیستند

هر جامعه‌ای در طول حیات خود ممکن است با معضلاتی دست‌به‌گریبان گردد که به طرق عادی قابل حل نیستند. معمولاً از چنین معضلاتی با عنوان «بن‌بست‌های سیاسی» یاد می‌کنند، اگرچه منظور این پژوهش از معضلات لاینحل فراتر از «بن‌بست‌های سیاسی» می‌باشد. سازمان‌های اطلاعاتی به‌واسطه در اختیار داشتن Intelligence که به شیوه‌های مخفی جمع‌آوری شده است، می‌توانند کمک شایانی به حل این معضلات بنمایند. اگرچه می‌توان به موارد مختلفی اشاره نمود، لیکن در این بخش با توجه به محدودیت‌های حجمی مقالات علمی-پژوهشی به ذکر یک نمونه از این معضلات یعنی «مقابله با باندهای سازمان‌یافته مواد مخدر، قمار، قاچاق، فحشا و...» اکتفا می‌گردد. این سازمان اطلاعاتی است که می‌تواند به یمن در اختیار داشتن اطلاعات حساس و ردیابی اطلاعات متهمان، این باندها که صدمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد، فرهنگ و ... وارد می‌نمایند را متلاشی نماید.

موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی می‌توانند با بهره‌گیری از توان اطلاعاتی خود آن‌ها را رفع نمایند که پرداختن به تمام آن‌ها به دلیل محدودیت‌های حجمی مقالات علمی-پژوهشی میسر نیست.

## اهتمام ویژه نسبت به مبارزه با مفاسد اقتصادی

فساد اقتصادی آفتی است که حکومت‌ها را از درون پوک و نابود می‌سازد. نقش سازمان‌های اطلاعاتی در برخورد با مفاسد و مفسدان اقتصادی یک نقش بی‌بدیل و ارزنده خواهد بود که خیر آن نهایتاً متوجه جامعه و مردم خواهد شد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ نسبت به صدور یک فرمان هشت ماده‌ای در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی اقدام نمودند. فرمانی که اگر به‌درستی توسط مسئولان اجرا می‌گردید، ریشه بسیاری از مفاسد اقتصادی خشکانده شده بود. بخشی از این فرمان متوجه یکی از سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، یعنی وزارت اطلاعات بود؛ البته در آن تاریخ «سازمان اطلاعات سپاه» عمدتاً در بحث «اطلاعات نظامی» نمود و بروز داشت (لازم به ذکر است که پس از رسیدن سکان هدایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سردار جعفری در سال ۱۳۸۶ و اعمال اصلاحات ساختاری در سپاه، موضوع ارتقاء «معاونت» اطلاعات سپاه به یک «سازمان» رسمی اطلاعاتی در مهرماه سال ۱۳۸۸ با موافقت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) رنگ واقعیت به خود گرفت). بندهای ۵ و ۶ آن پیام این چنین بود:

«... لازم است نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دست‌اندرکاران کشور که می‌توانند در مبارزه با فساد مالی ایفاء نقش کنند، تذکر دهم: ...»

۵- بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به‌درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

۶- وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به‌طور منظم به رئیس‌جمهور گزارش دهد...» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰، اردیبهشت ۱۰).

این پیام یک سند استراتژیک در مبارزه با مفاسد اقتصادی فراروی سازمان‌های اطلاعاتی، دستگاه قضایی و دیگر نهاد‌های دخیل در امر «مبارزه با مفاسد اقتصادی» قرارداد که چنانچه به نکات مندرج در آن توجه و عمل گردد، امر مبارزه با مفاسد اقتصادی دچار تحولی شگرف خواهد شد.

در بعد اجرایی، عملیاتی نمودن این پیام وظیفه نهادهای حاکمیتی در قوای سه‌گانه می‌باشد. مطابق متن پیام، وزارت اطلاعات بخشی از خطاب مقام معظم رهبری می‌باشند. پیرو مجوز معظم‌له به «سازمان اطلاعات سپاه» درباره ورود به مبحث مبارزه با «مفاسد اقتصادی کلان» (که اخبار آن هر از چند گاهی اعلام عمومی می‌گردد) این سازمان نیز وارد این عرصه گردیده است؛ بنابراین علاوه بر نهادهای دیگر، دو سازمان اطلاعاتی اصلی جمهوری اسلامی درگیر موضوع مبارزه با «مفاسد اقتصادی کلان» می‌باشند. در این رابطه لازم است که چند نکته را مدنظر قرارداد:

الف) عمده «مفاسد اقتصادی کلان» ماحصل و نتیجه طبیعی ساختارهای غلط و ناشفاف کشور هستند که اصلاح این ساختارها و شیشه‌ای نمودن سازمان‌های اقتصادی کشور از این حیث که تصمیم‌ها و اقدامات آن‌ها برای همگان قابل مشاهده باشد باید در دستور کار قرار گیرد و حتی می‌تواند در قالب لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال گردد. وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه نباید از این مهم غفلت ورزند.

ب) تأکید می‌گردد حداقل نیمی از «مفاسد اقتصادی کلان» کشور را می‌توان از طریق عدم تأیید افراد مسئله‌دار برای پست‌های اقتصادی کنترل نمود و کاهش داد که در بخش بعدی بدان اشاره می‌گردد. ج) یکی از حوزه‌های پرتنش کشور از حیث ارتکاب «مفاسد اقتصادی کلان» حوزه «خصولتی‌ها» می‌باشد. این نهادها در هنگام دریافت بودجه «دولتی» حساب می‌شوند و از حیث مباحث نظارتی و پاسخ‌گویی، «خصوصی» محسوب می‌گردند و همین موضوع موجب بروز فجایع اقتصادی عظیمی در آن‌ها شده است که هر از چند گاهی اخبار آن‌ها در سطح جامعه منتشر می‌گردد و موجبات بدبینی مردم به نظام را محیا می‌سازند. این نهادها بستر و حیات خلوتی برای ارتقای آفازدها، دریافت حقوق نجومی، استخدام بی‌دردسر آشنایان و اقوام و غیره شده است. سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی باید رصد و کنترل این حوزه پر چالش و ولنگار را در اولویت اصلی قرار دهند (اگرچه نسبت به این حوزه بی‌تفاوت نیستند).

**جلوگیری از ورود افراد فاسد و مسئله‌دار به جایگاه‌های مدیریتی (حراست قدرتمند و توصیه‌ناپذیر)**  
تشکیلات حراست در تمامی ادارات و سازمان‌های دولتی دایر و برقرار می‌باشد. این تشکیلات هم دارای وظایف اطلاعاتی، هم دارای وظایف انتظامی و هم دارای وظایف شبه قضایی است. برحسب وظایف اطلاعاتی، این تشکیلات از میان کارکردهای چهارگانه یا به تعبیر «شولسکی و

اشمیت»، «عناصر» چهارگانه اطلاعات یعنی جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، اقدامات پنهان و ضداطلاعات (Shulsky & Schmitt, 2002, p.8)، هم عنصر جمع‌آوری و هم عنصر ضداطلاعات را دارا می‌باشد. عمده‌ترین نقش ضداطلاعاتی تشکیلات حراست، حفاظت (فیزیکی، پرسنلی و اسناد) و در وهله بعدی ضد جاسوسی می‌باشد.

وظایف انتظامی حراست‌ها نیز ناظر بر حفاظت فیزیکی از حیث مقابله با سرقت و ...؛ پایش محیط اخلاقی سازمان و مقابله با اقدامات خلاف شئون اداری، عرفی و مذهبی، رصد و مقابله با اقدامات مجرمانه پرسنل نظیر رشوه، اختلاس، سوءاستفاده از اموال بیت‌المال و مواردی از این‌دست می‌باشد. وظایف شبه قضایی تشکیلات حراست نیز به واسطه عضویت در کمیته‌هایی نظیر تخلفات اداری یا دیگر عناوین مشابه شکل می‌گیرد.

علاوه بر این موارد، مدیر حراست مجموعه دارای شئوناتی از تصمیم‌گیری نیز می‌باشد که مراتبی از قدرت اجرایی را نیز به وی بخشیده است. مضاف بر این، معمولاً مدیر حراست یکی از مشاوران اصلی ریاست دستگاه نیز می‌باشد.

این وظایف مهم اطلاعاتی، انتظامی و شبه‌قضایی قدرت بالایی را به این مجموعه بخشیده است. از دگر سو هدایت تشکیلات حراست در دستگاه‌ها بر عهده سازمان حراست کل کشور است که رئیس آن جایگاه معاون وزیر اطلاعات را دارا می‌باشد. در فرآیند انتصاب مدیران اجرایی، از حراست وزارت اطلاعات و اخیراً سازمان اطلاعات سپاه استعلام می‌شود.

بدیهی است که چنین ساختار قدرتمندی می‌تواند خدمات بسیار گسترده‌ای به جامعه ارائه دهد. به‌عنوان یک نمونه، حداقل و تأکید می‌گردد حداقل نیمی از «مفاسد اقتصادی کلان» کشور را می‌توان از طریق عدم تأیید افراد مسئله‌دار برای پست‌های اقتصادی کنترل نمود و کاهش داد.

**انتقال بهینه «تجربه انباشت شده» در سازمان‌های اطلاعاتی به مدیران اجرایی و اثرگذاری مثبت بر نهادها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و...**

اگر تاریخ اردیبهشت ۱۳۵۸ را تاریخ آغاز به کار سازمان اطلاعات سپاه در نظر بگیریم و زمان تأسیس وزارت اطلاعات را ۲۷ مرداد ۱۳۶۳ (زمان تصویب قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) بدانیم، تجربه بسیار ارزنده‌ای هم در بحث الف) کارکردهای چهارگانه اطلاعات یعنی جمع‌آوری پنهان، ضداطلاعات، تحلیل اطلاعات و عملیات پنهان؛ و هم در بحث ب) آشنایی با جوانب مختلف و زیربوم دستگاه‌های اجرایی و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... نظام؛ در این دو سازمان اطلاعاتی انباشته شده است که می‌باید از آن استفاده گردد.

به‌عنوان یک نمونه، این دو سازمان اطلاعاتی کشور می‌توانند با برگزاری تورهای امنیتی - مدیریتی در هنگام سپردن سکان مدیریت دستگاه‌ها و سازمان‌ها به افراد مدنظر، توصیه‌های لازم را جهت آلوده نشدن مدیران به مفاصد اقتصادی، امنیتی و... به آنان انجام دهند و تجربه‌های انباشت شده را به آنان منتقل نمایند. بدین معنا که قبل از سپردن پست سازمان الف به آقا/خانم X، یک تور چندساعته برای وی برگزار گردد و در این تور چندساعته مواردی نظیر ریزه‌کاری‌های اجرایی، تجربه‌های شخصی مقامات امنیتی در آن حوزه اجرایی، سرنوشت مدیران متخلف قبلی، شگردهای نزدیک شدن باندهای فساد به مدیران، خلأهای قانونی دستگاه، روزه‌ها یا منافذ فساد در آن دستگاه و... برای این آقا/خانم مدیر تشریح و تفهیم گردد. برگزاری این تور امنیتی - اجرایی چندساعته مصداق عینی انتقال بهینه «تجربه انباشت شده» در سازمان‌های اطلاعاتی به مدیران اجرایی و اثرگذاری مثبت بر نهادها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... خواهد بود.

لازم است که در این بخش به یک سؤال بسیار مهم پاسخ داده شود. آیا انتقال بهینه «تجربه انباشت شده» در سازمان‌های اطلاعاتی به مدیران اجرایی و اثرگذاری مثبت بر نهادها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... معادل دلیل وجودی دوم (ارائه تخصص کسب‌شده در درازمدت) و دلیل وجودی سوم (حمایت از فرآیند سیاسی) نمی‌باشد؟ پاسخ منفی است. منظور از ارائه تخصص کسب‌شده در درازمدت سازمان‌های اطلاعاتی به «تصمیم‌گیرندگان» و «سیاست‌گذاران» می‌باشد و نه به مدیران دستگاه‌های اجرایی. سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی با موضوعی به‌نام «انباشت تجربه در حوزه ساختارهای دولتی» مواجه هستند و می‌توانند به‌عنوان یک مشاور امین و متخصص به مدیران نظام مشورت دهند.

ضمن آن‌که، دلیل وجودی سوم (حمایت از فرآیند سیاسی) متضمن ارائه اطلاعات به‌موقع و درخور به سیاست‌گذاران می‌باشد، لیکن این مورد متضمن انتقال تجربه‌های امنیتی + اجرایی به مدیران دستگاه‌های اجرایی می‌باشد که وسیع‌تر از دلیل وجودی سوم می‌باشد. سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه ارائه توصیه‌های راهگشا در حوزه‌های اجرایی به مدیران دستگاه‌های اجرایی (علاوه بر توصیه‌های امنیتی) مانع از آن می‌شوند تا از حیث موضوعات اجرایی هزینه‌گرافی متوجه نظام گردد.

بدیهی است که این موضوع یکی از مصادیق خدمات‌دهی به جامعه توسط سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.



## دارا بودن قدرت مفهوم‌سازی و تعریف مسائل و معضلات امنیتی جامعه

باور عامه بر این است که سازمان‌های اطلاعاتی صرفاً در ساحت‌هایی نظیر جمع‌آوری پنهان، ضداطلاعات، تحلیل اطلاعات و عملیات پنهان که با کنش و عملیات در ارتباط است سروکار دارند. حال آن‌که این یک تلقی کاملاً اشتباه است. سازمان‌های اطلاعاتی قدرتمند در ساحت اندیشه و تفکر و مشخصاً در حوزه‌هایی نظیر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، زیبایی‌شناسی و... درگیر هستند. یکی از حیطه‌های فکری که سازمان‌های اطلاعاتی باید در آن فعال باشند، مفهوم‌سازی و تعریف مسائل و معضلات امنیتی جامعه می‌باشد.

بحث خود را با یک فرض آغاز می‌نماییم. فرض کنیم در یک جامعه خاص، مسائل و معضلات امنیتی جامعه توسط دشمنان (حریفان) یا رقیب‌های آن کشور تعیین شود. در آن صورت دشمنان نسبت به تعیین مباحث و موضوعاتی به‌عنوان مسائل و معضلات امنیتی آن جامعه اقدام می‌نمایند که مسائل و معضلات حقیقی آن جامعه نیست و در راستای منافع دشمنان آن جامعه می‌باشد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز دشمنان در برهه‌های مختلف کوشیده‌اند مباحث و موضوعاتی را به‌عنوان مسائل و معضلات امنیتی جا بزنند که مسائل و معضلات حقیقی جامعه ایران نبوده است. به‌عنوان نمونه، در دوره‌ای تلاش شد که حمایت جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت و اهدای خون جوانان عزیز این کشور در راه دفاع از حرم اهل بیت به‌عنوان یک معضل امنیتی (که خون جوانان این مرزوبوم را هدر می‌دهد) در جامعه جا انداخته شود و اصطلاح «مدافعان اسد» برای آن به‌کار برده شد؛ نمونه‌ای دیگر، در دوره‌ای تلاش شد که رعایت حجاب شرعی به‌عنوان یک معضل امنیتی به جامعه معرفی شود و در راه ترویج «چهارشنبه‌های سفید» تلاش‌ها شد که به دلایلی که خارج از حوصله این مقاله می‌باشد، موفقیتی حاصل نشد.

یک سازمان اطلاعاتی قدرتمند باید بتواند نسبت به مفهوم‌سازی و تعریف مسائل و معضلات امنیتی جامعه اقدام نماید، در غیر این صورت چنانچه مسائل و معضلات امنیتی جامعه توسط دشمنان تعریف گردد در آن صورت دشمنان کنترل جامعه را در دست خواهد گرفت و جای مسئله و راه‌حل جابه‌جا خواهند شد. در آن صورت راه‌حل‌ها به‌عنوان مسئله و معضل و معضلات و مسائل به‌عنوان راه‌حل به ذهن جامعه تزریق خواهند شد که قطعاً جامعه را با مشکلات امنیتی حادی مواجه خواهد ساخت. بدیهی است که این موضوع یکی از مصادیق خدمات‌دهی به جامعه توسط سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

## توانایی تولید و بازتولید گفتمانی دشمن

یک سازمان اطلاعاتی قدرتمند نه تنها باید بتواند نسبت به مفهوم سازی و تعریف مسائل و معضلات امنیتی جامعه اقدام نماید، بلکه باید قادر باشد که دشمن یا دشمنان خود را به صورت گفتمانی تولید و (باز)تولید نماید. ذکر یک مثال به روشن شدن موضوع می انجامد. ایالات متحده از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ از هیچ کوششی جهت سرنگونی و فروپاشی نظام اسلامی دریغ ننموده است. تهاجم نظامی به خاک ایران در جریان حمله به طیس، حمایت از کودتای نافرجام نوژه، حمایت از صدام در جریان جنگ تحمیلی هشت ساله علیه مردم ایران، اعمال تحریم های اقتصادی فلج کننده علیه جمهوری اسلامی ایران، درگیری های دریایی با نیروهای ایرانی در حفاصل زمانی ۲۲ جولای ۱۹۸۷ (۳۱ تیرماه ۱۳۶۶) تا ۱۷ آوریل ۱۹۸۸ (۲۹ فروردین ۱۳۶۷)، انهدام هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ سرنشین در ۲ جولای ۱۹۸۸ (۱۲ تیر ۱۳۶۷)، پیگیری سیاست هایی نظیر Regime Change (تغییر نظام)، مهار، تغییر رفتار، نفوذ، تلاش جهت عدم بهره برداری ایران از مزایای اقتصادی موافقت نامه JCPOA (برجام)، ترور مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران (شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی) و... نمونه های روشنی از دشمنی ایالات متحده با مردم ایران می باشد.

اما علی رغم این اقدامات و کنش های خصمانه که اتفاقاً مستقیماً متوجه مردم ایران گردیده، دولت های مختلف ایالات متحده همچنان ادعای دوستی با مردم ایران را دارند و به اصطلاح خود، حساب مردم را از حکومت جمهوری اسلامی جدا می نمایند. رسانه های اپوزیسیون و حتی برخی از رسانه ها و سیاستمداران داخلی نیز این خط تحلیلی را دنبال و تکرار می نمایند که موجب شده بخشی هرچند اندک از مردم فریب خورده و بدون توجه به اقدامات و کنش های خصمانه ایالات متحده علیه مردم ایران، ایالات متحده را دشمن حکومت جمهوری اسلامی و نه مردم ایران بدانند.

در مواردی از این دست، وظیفه یک سازمان اطلاعاتی قدرتمند آن است که دشمن را به صورت گفتمانی تولید و (باز)تولید نماید و به مردم کشور معرفی نماید.

در اینجا ممکن است یک سؤال بسیار مهم ایجاد گردد. معمولاً گفتمان امنیتی-نظامی یک کشور توسط مقامات ذیصلاح یک کشور که دارای سرمایه اجتماعی هستند، مثلاً رئیس جمهور، نخست وزیر، وزرای قدرتمند و حتی سیاستمداران و مقامات نظامی بانفوذ مفصل بندی می گردد. پس نقش یک سازمان اطلاعاتی در این بین چیست؟ پاسخ اجمالی به این سؤال آن است که یک سازمان اطلاعاتی قدرتمند به واسطه دو اقدام اساسی می تواند در تولید و (باز)تولید دشمن به صورت گفتمانی نقش ایفا نماید:

الف) توصیه های روزانه (بولتن های تحلیلی) به مقامات سیاسی دارای سرمایه اجتماعی جهت

درون‌گذاری<sup>۱</sup> و برجسته‌سازی اقدامات خصمانه دشمن و تأثیرگذاری بر اقدامات مسئولان (اگر بخواهیم با ادبیات تحلیل گفتمان به موضوع اشاره نماییم باید گفت که به‌واسطه توصیه‌های روزانه سازمان اطلاعاتی به مقامات سیاسی دارای سرمایه اجتماعی، باید برجسته‌سازی اقدامات خصمانه دشمن و تلاش جهت خنثی نمودن توطئه‌های آن دشمن به‌عنوان یک «دقیقه [یا وقته]»<sup>۲</sup> در گفتمان امنیتی-نظامی آن کشور مفصل‌بندی<sup>۳</sup> گردد تا دشمن نتواند به‌واسطه تبلیغات رسانه‌ای خود و برقرار نمودن رابطه مبتنی بر «ضدیت [یا غیریت‌سازی]»<sup>۴</sup> با آن گفتمان، نوعی «بی‌قراری»<sup>۵</sup> و تزلزل در معنای این «دقیقه [یا وقته]» ایجاد نماید و در نتیجه جایگاه «هژمون»<sup>۶</sup> گفتمان امنیتی-نظامی آن کشور را تضعیف سازد و «زنجیره هم‌ارزی»<sup>۷</sup> (یا اصطلاحاً طرفداران) گفتمان امنیتی-نظامی آن کشور را دچار گسست نموده و «منطق تفاوت»<sup>۸</sup> که مطابق آن بر تفاوت‌ها و اختلافات موجود در عرصه اجتماعی تأکید می‌شود و از طریق آن «زنجیره هم‌ارزی» موجود به هم می‌ریزد، در جامعه هدف را پررنگ و برجسته سازد. در غیر این صورت مردم علی‌رغم مشاهده اقدامات خصمانه دشمن دیگر آن کشور را به‌عنوان دشمن در نظر نمی‌گیرند).

ب) با ذکر مستندات خدشه‌ناپذیر و رسانه‌ای نمودن آن، جامعه را از اقدامات و کنش‌های خصمانه دشمن آگاه سازد.

لازم به ذکر است که دلیل وجودی اول (جلوگیری از غافل‌گیری استراتژیک) متضمن آگاهی سازمان اطلاعاتی از نیات و مقاصد دشمن می‌باشد، لیکن توانایی تولید و (باز) تولید گفتمانی دشمن در مواردی موضوعیت می‌یابد که جامعه به‌واسطه تبلیغات و جنگ روانی دشمن دچار خودآگاهی کاذب<sup>۹</sup> شده باشد و دشمن را به‌عنوان دشمن شناسد یا دشمن را به‌عنوان دوست در نظر بگیرد.

چنین فرآیندی می‌تواند توسط سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران دنبال گردد. بدیهی است که این موضوع یکی از مصادیق خدمات‌دهی به جامعه توسط سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

1. Inclusion
2. Moment
3. Articulation
4. Antagonism
5. Dislocation
6. Hegemon
7. Chain of Equivalence
8. Logic of Difference
9. False-consciousness

## حفاظت از منافع ملی از طریق صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه

صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه یکی از ارکان مهم منافع ملی می‌باشد. دارایی‌ها و مایملک یک جامعه صرفاً تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌های حیاتی آن کشور نیستند. دانشمندان، متخصصان، هنرمندان و دیگر اقشار مهم جامعه (اصطلاحاً مغزهای یک جامعه) نیز در زمره دارایی‌ها و مایملک معنوی یک جامعه قرار دارند.

در این بخش لازم است که به یک نکته بسیار مهم توجه گردد. پیش از ذکر این نکته مهم، لازم است که به اقدامات [یا تمهیدات] عامل و غیرعامل اشاره نماییم. «شولسکی و اشمیت» بر این باور هستند که در بحث ضداطلاعات با اقدامات [یا تمهیدات] عامل و غیرعامل<sup>۱</sup> مواجه هستیم. در اقدامات غیرعامل، یک سازمان اطلاعاتی به دنبال ممانعت از دستیابی دشمن به اطلاعاتی است که به دنبال آن می‌باشد. انسداد دسترسی این دشمن از طریق ایجاد یک حصار دور اطلاعات است که معمولاً با عنوان «حفاظت»<sup>۲</sup> مورد اشاره قرار می‌گیرد. ماهیت این حصار، ممنوعیت دسترسی به اطلاعات حساس توسط افرادی است که اعتبار آن‌ها مشخص نشده است، حفاظت از اسناد و ارتباطات و قرار دادن آن‌ها در جای امن از طریق رمزگذاری و نظایر آن می‌باشد؛ اما منظور از اقدامات حفاظتی<sup>۳</sup> اقداماتی است که قابلیت سرویس اطلاعاتی دشمن در جمع‌آوری اطلاعات را سد می‌نماید. چنین اقداماتی برای جلوگیری از دسترسی یا بهره‌برداری یک سرویس اطلاعاتی دشمن از هرگونه دسترسی به پرسنل، اسناد، ارتباطات یا عملیات‌هایی که برای کسب اطلاعات مهم هستند، طراحی شده است. این اقدامات، حصاری ایجاد می‌نماید که اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را احاطه می‌نماید. اقدامات حفاظتی شامل طبقه‌بندی<sup>۴</sup> اطلاعات (اطلاعات فوق سری، سری و محرمانه)<sup>۵</sup>، حفاظت پرسنلی و حفاظت فیزیکی<sup>۶</sup> می‌گردد (Shulsky & Schmitt, 2002, p.105). نکته مهم آنجا است که صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه صرفاً معادل «حفاظت» که یکی از اقدامات [یا تمهیدات] غیرعامل می‌باشد، نیست. «حفاظت» نقطه و حد پایینی صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه می‌باشد. صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه معنایی وسیع‌تر در بردارد و حتی

1. passive and active measures
2. security
3. Security measures
4. classification
5. Top secret, Secret and Confidential
6. Personnel and Physical security

می‌تواند اقداماتی نظیر «جلوگیری از فرار مغزها»، «جلوگیری از فرار سرمایه‌ها»، «جلوگیری از ایجاد یأس در مغزهای یک جامعه به‌واسطه حمایت‌های مادی و معنوی از آنان» و... را هم در برگیرد.

سؤال مهمی در اینجا بر ذهن متبادر می‌گردد. صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه صرفاً با اقدامات امنیتی میسر نیست و در مواردی نظیر «جلوگیری از فرار مغزها» و «جلوگیری از ایجاد یأس در مغزهای یک جامعه به‌واسطه حمایت‌های مادی و معنوی از آنان» مستلزم صرف هزینه‌های مادی فراوانی است که اتفاقاً یا بودجه‌ای برای آن منظور نشده و یا اگر بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته شده در اختیار نهادهای دیگر نظیر بنیاد ملی نخبگان می‌باشد. پس یک سازمان اطلاعاتی چه اقدامی می‌تواند انجام دهد؟

پاسخ به این سؤال درگرو توجه به نکته مطرح شده در ابتدای بخش دوم می‌باشد. دلیل وجودی پنجم با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم، به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) محقق می‌گردد؛ بنابراین می‌توان بدون دخالت در امور اجرایی و با تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها اقدامات مؤثری در راستای خدمات‌دهی به جامعه انجام داد.

در پایان این بخش و در جدول شماره پنج مشخصات کلی این نه مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است.

مصادیق دلیل وجودی پنجم:	شرح کلی	مضمون دخالت در امور اجرایی و سیاست‌گذاران و ساختارها	مضمون تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران و ساختارها
کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی)	مشاوره و ارائه راهکارهای عملیاتی به تصمیم‌گیرندگان جهت استقرار گسترده‌تر عدالت در نظام سیاسی	خیر	بله
تلاش در راستای استقرار گسترده‌تر عدالت در نظام سیاسی	مشاوره و ارائه راهکارهای عملیاتی به تصمیم‌گیرندگان و مقامات قضایی جهت حذف و کاهش اثرات ساختارهای اجرایی غلط	خیر	بله
مقیله با اختراست ساختاری؛ بخشی از پروکراسی اداری	حل مشکلات لاینحل جامعه به‌واسطه در اختیار داشتن Intelligence	خیر	بله
ارائه خدمات ویژه به جامعه و حل مصلحتی که به طرق عامی قابل حل نیستند	مقیله با مفاسد، فسادان و ساختارهای فسادزای اقتصادی	خیر	بله
احتمال ویژه نسبت به مبارزه با مفاسد اقتصادی	استفاده حداکثری از ظرفیت‌های تشکیلات حراست که دارای وظایف اطلاعاتی، نظارتی و شبه قضایی می‌باشد	خیر	بله
جلوگیری از ورود افراد فاسد و مسأله‌دار به جایگاه‌های مدیریتی (حراست قدرتمند و توصیه‌پذیر)	مشاوره و ارائه راهکارهای عملیاتی به مدیران دستگاه‌های اجرایی ازجمله برگزاری تورهای امنیتی - مدیریتی برای مدیران دستگاه‌های اجرایی به‌منظور آشنایی با ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های مختلف دستگاه تحت امر	خیر	بله
انتقال بهینه تجربه تابست شده در سازمان‌های اطلاعاتی به مدیران اجرایی و اثرگذاری مثبت بر نهادها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی و ...	مسائل و مصلحت‌های امنیتی جامعه باید توسط سازمان‌های اطلاعاتی مفهوم‌سازی و گردد، نه توسط دستگاه جامعه	خیر	بله
دارا بودن قدرت مفهوم‌سازی و تعریف مسائل و مصلحت‌های امنیتی	در مواردی موضوعیت می‌یابد که جامعه به‌واسطه تبلیغات و جنگ روانی دشمن دچار خودآگاهی کاذب شده باشد و دشمن را به‌عنوان دشمن نشاناند یا دشمن را به‌عنوان دوست در نظر بگیرد	خیر	بله
تولیدی و تولید و بازارتولید گفتمانی دشمن	صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه (نظیر نخبگان) صرفاً معادل «حفاظت» که یکی از تمهیدات غیرعامل می‌باشد، نیست. «حفاظت» نطفه و حد پایینی صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه می‌باشد.	خیر	بله
حفاظت از منابع ملی از طریق صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه			

جدول شماره ۵: مؤلفه‌های نه‌گانه دلیل وجودی پنجم از منظر این پژوهش منبع: نگارندگان

## آزمون فرضیه

در این بخش با بهره‌گیری از روش مقایسه کیفی، فرضیه و یافته‌ها را از حیث تفاوت با چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی مورد آزمون قرار می‌دهیم. نتایج در جدول شماره شش منعکس شده است.

بررسی تفاوت/ تشابه دلیل وجودی پنجم با چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی (بر اساس متدولوژی مقایسه کیفی)	مصادیق دلیل وجودی پنجم:
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	کسب به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	تلاش در راستای استقرار گسترده‌تر عدالت در نظام سیاسی
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	مقابله با «خشونت ساختاری» بخشی از پروکرسی اداری
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	ارائه خدمات ویژه به جامعه و حل مضامینی که به طرف حادی قابل حل نیستند
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	احتمال ویژه نسبت به مبارزه با مفاسد اقتصادی
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	جلوگیری از ورود افراد فاسد و مسأله‌دار به جایگاه‌های مدیریتی (هر است قدرت‌مند و توصیه‌ناپذیر)
منظور از دلیل وجودی دوم سازمان‌های اطلاعاتی، ارائه تفهیم (کسب شده در) درازمدت ترس سازمان‌های اطلاعاتی به تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران می‌باشد، لکن این مورد ناظر بر ارائه مشورت به مدیران دستگاه‌های اجرایی می‌باشد	انتقال بهینه «تجربه» نباشد شده، در سازمان‌های اطلاعاتی به مدیران اجرایی و اثرگذاری مثبت بر نهادها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ...
دلیل وجودی سوم (حمایت از فرایند سیاسی) متضمن ارائه اطلاعات به‌موقع و در خور به سیاست‌گذاران می‌باشد، لکن این مورد متضمن انتقال تجربه‌های امنیتی - اجرایی به مدیران دستگاه‌های اجرایی می‌باشد که وسیع‌تر از دلیل وجودی سوم می‌باشد	دارا بودن قدرت مفهوم‌سازی و تعریف مسایل و مضامین امنیتی جامعه توانایی تولید و (بازتولید) گفتگویی دشمن
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست	
دلیل وجودی اول (جلوگیری از غفلت‌گیری استراتژیک) متضمن آگاهی سازمان اطلاعاتی از نيات و مقاصد دشمن می‌باشد، لکن این مولفه در مواردی مورعیت می‌یابد که جامعه به واسطه تبلیغات و جنگ روانی دشمن دچار خرد آگاهی کاذب (False-consciousness) شده باشد و دشمن را به‌عنوان دشمن نتشاند یا دشمن را به‌عنوان دوست در نظر بگیرد	
تشابه میچیک از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی نیست. حسناً از مفهوم حفاظت (Security) که یکی از تمهیدات غیرمقابل (passive measures) است، وسیع‌تر می‌باشد. «حفاظت» نقطه و حد پایینی صیانت از دارایی‌ها و مابینک مادی و معنوی جامعه می‌باشد	حفاظت از منافع ملی از طریق صیانت از دارایی‌ها و مابینک مادی و معنوی جامعه

جدول شماره شش: مقایسه کیفی فرضیه با چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر محققان غربی

منبع: نگارندگان

مضاف بر مقایسه کیفی فرضیه، در این بخش جهت آزمون فرضیه دو چالش و فرضیه رقیب را متوجه فرضیه می‌نماییم تا فرضیه با سربلندی از آزمون‌های مختلف بیرون آمده و انسجام نظری خود را حفظ نماید.

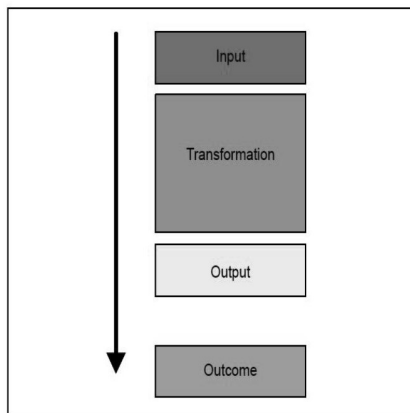
فرضیه رقیب اول: بسیاری از خدمات نه‌گانه که در این پژوهش ذکر گردید و می‌تواند به‌عنوان دلیل وجودی پنجم یک سازمان اطلاعاتی مطرح شود، مستلزم صرف هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی است که اتفاقاً یا بودجه‌ای برای آن منظور نشده و یا اگر بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته‌شده در اختیار نهادهای دیگر می‌باشد. پس یک سازمان اطلاعاتی چه‌کاری می‌تواند انجام دهد؟

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر گردید، دلیل وجودی پنجم با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم، به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) محقق می‌گردد؛ بنابراین می‌توان بدون دخالت در امور اجرایی و با تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها اقدامات مؤثری در راستای خدمات‌دهی به جامعه انجام داد.

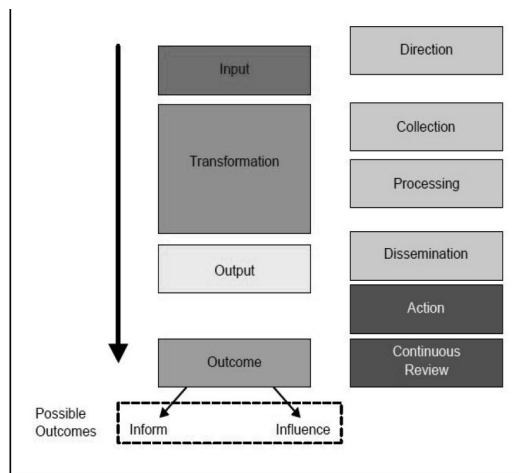
مضاف بر این مورد و به‌منظور ارائه پاسخی مبتنی بر ادبیات «مطالعات اطلاعاتی»، لازم است که نتایج اطلاعات و کار اطلاعاتی را بشناسیم. به‌منظور آشنایی با ادبیات رایج در سطح سازمان‌های اطلاعاتی غربی، به کتاب «نشریه دکترین مشترک (۲۰۰۰): فهم و حمایت اطلاعاتی از عملیات مشترک» که توسط وزارت دفاع بریتانیا منتشر گردیده است، استناد می‌گردد. در این کتاب، چهار کارکرد اصلی اطلاعات، «جهت‌دهی»<sup>۱</sup>، «جمع‌آوری»<sup>۲</sup>، «پردازش»<sup>۳</sup> و «انتشار»<sup>۴</sup> معرفی شده است (شکل شماره دو).

1. Direction
2. Collection
3. Processing
4. Dissemination

در این کتاب هم‌چنین به مفهومی با عنوان «نظریه فرآیند»<sup>۱</sup> اشاره گردیده و این‌گونه تعریف شده است: «فرآیند مجموعه‌ای از اقدامات یا مراحل است که موجب رسیدن به نتیجه خاصی<sup>۲</sup> می‌گردد. در یک فرآیند کلی<sup>۳</sup>، ورودی اولیه<sup>۴</sup> موجب ایجاد نیازمندی و شروع فرآیند می‌شود. این ورودی پس از یک سری اقدامات تغییر شکل می‌یابد و یک خروجی<sup>۵</sup> ایجاد می‌نماید. آنچه ما با خروجی انجام می‌دهیم بستگی به نتایجی دارد که می‌خواهیم به دست آوریم». شکل شماره یک این فرآیند را به تصویر می‌کشد.



شکل شماره ۱: نظریه فرآیند از منظر وزارت دفاع بریتانیا (Ministry of Defence of United Kingdom, 2011, p. 3-2)



شکل شماره ۲: ارتباط بین کارکردهای اصلی اطلاعات و نظریه فرآیند از منظر وزارت دفاع بریتانیا

(Ministry of Defence of United Kingdom, 2011, p. 3-2)

1. Process Theory
2. particular outcome
3. generic process
4. initial input
5. output

در این کتاب ارتباط بین کارکردهای اصلی اطلاعات و نظریه فرآیند با شکل شماره دو به تصویر کشیده شده است. کارکردهای اصلی اطلاعات موجب ایجاد خروجی و نه نتیجه که حاصل تصمیم‌گیری می‌باشد، می‌گردند؛ بنابراین می‌توان گفت که نتایج اطلاعات و کار اطلاعاتی، آگاهی دادن (گزارش دادن)<sup>۲</sup> و نفوذ (تأثیرگذاری)<sup>۳</sup> می‌باشند.

نکته مهم نیز همین‌جا است. سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران جهت ارائه خدمات نه‌گانه به جامعه نیازی به بودجه یا اختیارات فراقانونی ندارند. این سازمان‌ها می‌توانند با اهرم تأثیرگذاری یا نفوذی که در جامعه و در میان نهادهای اجرایی دارند، به ارائه خدمات به جامعه بپردازند.

۲-۳) فرضیه رقیب دوم: در نظر گرفتن خدمات نه‌گانه برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران موجب حجیم و سنگین شدن این سازمان‌ها نمی‌گردد؟

اگرچه پاسخ مثبت است، لیکن نباید این نکته را از نظر دور داشت که تعیین یک معاونت جدید جهت پیگیری این خدمات نه‌گانه، تأثیرات عمیقی را بر عملکرد سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران و میزان کارآمدی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و در دوگانه هزینه-فایده قطعاً منافع فراوانی را متوجه نظام، مردم و سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران خواهد نمود.

### نتیجه‌گیری

محققان غربی چهار دلیل وجودی (۱) جلوگیری از غافل‌گیری استراتژیک؛ (۲) ارائه تخصص کسب‌شده در درازمدت به سیاست؛ (۳) حمایت از فرآیند سیاسی؛ و (۴) حفظ نهان‌کاری اخبار، نیازها و روش‌ها را برای سازمان‌های اطلاعاتی معرفی نموده‌اند. در این پژوهش این‌گونه بحث گردید که اگرچه این چهار دلیل وجودی خود مصادیقی عینی از ارائه خدمات به جامعه (به‌صورت غیرمستقیم) هستند، لیکن سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر چهار دلیل وجودی فوق، مؤلفه دیگری با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) به‌عنوان پنجمین دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران معرفی گردد.

1. and not the outcome, which is the result of decision-making
2. Inform
3. Influence



در این راستا ۹ اقدام مؤثر می‌تواند از سوی سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران دنبال گردد (بدون دخالت در امور اجرایی). این ۹ اقدام شامل «تلاش در راستای استقرار گسترده‌تر عدالت در نظام سیاسی»، «مقابله با «خشونت ساختاری» بخشی از بروکراسی اداری»، «ارائه خدمات ویژه به جامعه و حل معضلاتی که به طرق عادی قابل حل نیستند»، «اهتمام ویژه نسبت به مبارزه با مفسد اقتصادی»، «جلوگیری از ورود افراد فاسد و مسئله‌دار به جایگاه‌های مدیریتی (حراست قدرتمند و توصیه‌ناپذیر)»، «انتقال بهینه تجربه انباشت شده در سازمان‌های اطلاعاتی به مدیران اجرایی و اثرگذاری مثبت بر نهادها و تشکیلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و...»، «دارا بودن قدرت مفهوم‌سازی و تعریف مسائل و معضلات امنیتی جامعه»، «توانایی تولید و (باز)تولید گفتمانی دشمن» و «حفاظت از منافع ملی از طریق صیانت از دارایی‌ها و مایملک مادی و معنوی جامعه» هستند.

یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش مقایسه کیفی به دست آمد که این ۹ اقدام، متفاوت از چهار دلیل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی از منظر غربی‌ها هستند. ضمناً به‌منظور نشان دادن استحکام و انسجام نظری فرضیه اصلی این پژوهش، دو فرضیه رقیب مطرح گردید.

در فرضیه رقیب اول به این موضوع پرداخته شد که بسیاری از خدمات نه‌گانه که در این پژوهش ذکر گردید و می‌تواند به‌عنوان دلیل وجودی پنجم یک سازمان اطلاعاتی مطرح شود، مستلزم صرف هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی است که اتفاقاً یا بودجه‌ای برای آن منظور نشده و یا اگر بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته شده در اختیار نهادهای دیگر می‌باشد. پس یک سازمان اطلاعاتی چه‌کاری می‌تواند انجام دهد؟ این فرضیه رقیب به دو صورت به چالش کشیده شد. اولاً) دلیل وجودی پنجم با عنوان کمک به ساختار سیاسی در راستای ارائه خدمات بهینه به جامعه و ایجاد رضایت در مردم، به‌واسطه تأثیرگذاری مثبت سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بر سیاست‌گذاران و ساختارها (بدون دخالت در امور اجرایی) محقق می‌گردد. بنابراین می‌توان بدون دخالت در امور اجرایی و با تأثیرگذاری مثبت بر سیاست‌گذاران و ساختارها اقدامات مؤثری در راستای خدمات‌دهی به جامعه انجام داد. ثانیاً) مطابق تعریف وزارت دفاع بریتانیا، نتایج اطلاعات و کار اطلاعاتی، آگاهی دادن (گزارش دادن)<sup>۱</sup> و نفوذ (تأثیرگذاری)<sup>۲</sup> می‌باشند؛ بنابراین سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران جهت ارائه خدمات نه‌گانه به جامعه نیازی به بودجه یا اختیارات فراقانونی ندارند و این سازمان‌ها

می‌توانند با اهرم تأثیرگذاری یا نفوذی که در جامعه و در میان نهادهای اجرایی دارند به ارائه خدمات به جامعه بپردازند.

در فرضیه رقیب دوم به این چالش پاسخ داده شد که در نظر گرفتن خدمات نه‌گانه برای سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها موجب حجیم و سنگین شدن این سازمان‌ها نمی‌گردد بلکه تعیین یک معاونت جدید جهت پیگیری این خدمات نه‌گانه، تأثیرات عمیقی را بر عملکرد سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران و میزان کارآمدی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و در دوگانه هزینه-فایده قطعاً منافع فراوانی را متوجه نظام، مردم و سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران خواهد نمود.

## منابع

### الف) منابع فارسی:

۱. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۲۴ ق). الخصال. جلد ۱. صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری. قم: جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه بقم، مرکز المنشورات الاسلامیه.
۲. تریف، تری، کرافت، استیوارت، جیمز، لوسی و مورگان، پاتریک (۱۳۸۳). مطالعات امنیتی نوین. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. ترجمه و تصنیف مصطفی درایتی. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۴. حسینزاده، محمد (۱۳۸۵). معرفت شناسی: سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مرکز انتشارات.
۵. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۹۵، خرداد ۲۹). بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها. بازیابی شده در ۹۶/۶/۲۱، از <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33445>
۶. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۸۹، تیر ۷). بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه. بازیابی شده در ۹۶/۶/۲۱، از <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9674>
۷. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۸۲، شهریور ۵). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت. بازیابی شده در ۹۶/۶/۲۱، از <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3189>
۸. علامه مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. جلد ۷۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. چاپ چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

### ب) منابع لاتین:

- Burtle, A. (2013). Structural Violence. Retrieved September 4, 2021 from [www.structuralviolence.org/structural-violence/](http://www.structuralviolence.org/structural-violence/)
- DeRose, K. (2005). What Is Epistemology? A Brief Introduction to the Topic. Retrieved December 2, 2015 from [http://www.avizora.com/publicaciones/epistemologia/textos/0042\\_what\\_is\\_epistemology.htm](http://www.avizora.com/publicaciones/epistemologia/textos/0042_what_is_epistemology.htm)
- Godson, R. (1987). Intelligence: An American View. in K. G. Robertson. British and American Approaches to Intelligence. London: Palgrave Macmillan.

Ho, K. (2007). Structural Violence as a Human Rights Violation. *Essex Human Rights Review*, Vol. 4, No. 2, PP. 1-17.

Hughes, J. A. (1990). *The Philosophy of Social Research*. Second Edition. London: Longman.

Kent, S. (1965). *Strategic Intelligence for American Foreign Policy*. Third Edition. Hamden, Conn.: Archon Books.

Laqueur, W. (1985). *A World of Secrets: The Uses and Limits of Intelligence*. New York, NY: Basic Books.

Lowenthal, M. M. (2009). *Intelligence: From Secrets to Policy*. Forth Edition. New York, NY: CQ Press.

Omand, D. (2014). *The Cycle of Intelligence*. In Robert Dover, Michael S. Goodman & Claudia Hillebrand. *The Routledge Companion to Intelligence Studies*. London & New York: Routledge.

Mack, L. (2010). *The Philosophical Underpinnings of Educational Research*. *Polyglossia*, Volume 19. pp. 5-11.

Ministry of Defence of United Kingdom (MODUK) (2011). *Joint Doctrine Publication 2-00 (JDP 2-00): Understanding and Intelligence Support to Joint Operations*. Shrivenham, UK: The Development, Concepts and Doctrine Centre (DCDC).

Scott, L., & Jackson, P. (2004). *Journeys in Shadows*. In Len Scott & Peter Jackson. *Understanding Intelligence in the Twenty-First Century: Journeys in Shadows*. London & New York: Routledge.

Shulsky, A. N., & Schmitt, G. J. (2002). *Silent Warfare: Understanding the World of Intelligence*. Third Edition. Washington D.C.: Potomac Books, Inc.

Terry, P. R. (1997). *Habermas and Education: knowledge, communication, discourse*. *Curriculum Studies*, Vol. 5, No. 3, pp. 269-279.

Wæver, O. (1997). *Figures of International Thought*. In Iver B. Neumann & Ole Wæver. *The Future of International Relation*. London & New York: Routledge.